



بر آوردها از آغاز فرایند تجزیه شوروی

رئیس‌جمهوری به‌طور معمول در روابط با کشورها افراد را از نهادها متمایز می‌شمرد و با شنیدن گزارش این ملاقات، کنجکاو و تحریک شد که بداند شواردناذه چهقدر در این نگاه مؤثر بوده و تا چه میزان نظرات او با رهبری شوروی متفاوت است. اسد مایل بود این موضوع حساس برای سوریه به دقت بررسی شود، بویژه که با موضوعات مهم دیگری مانند بالاگرفتن تشنج در روابط سوریه و امریکا درهم آمیخته شده بود. از این‌رو از سفارت شوروی در دمشق خواستم فرستاده ویژه‌ای به سوریه اعزام شود. کمتر از یک ماه بعد یوری ورنتسوف معاون وزیر خارجه شوروی با همراهی شمار زیادی از مسئولان و دیپلمات‌ها به دمشق آمد. چند هفته بعد نیز یورگنی پریماکوف متخصص روابط بین‌المللی شوروی، از سوریه دیدار کرد و آنگاه ادوارد شواردناذه پس از غلبه بر تردیدهایی‌خود در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۹ با نامه‌ای از میخائیل گورباچف رئیس‌جمهوری شوروی خطاب به اسد، از دمشق دیدار کرد که شامل صحبت‌های کلی دیپلماتیک، بدون هرگونه تعهدی بود.

بازه زمانی که مشغول ارزیابی تحولات جاری در شوروی و نظام بین‌المللی بودیم، با دیدارهای من با شماری از وزرای خارجه جهان و از جمله شواردناذه، در نیویورک مصادف بود. شواردناذه در ملاقات در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در سپتامبر ۱۹۸۹، مرا با این گفته خود غافلگیر کرد که جمهوری‌های دریای بالتیک که هنگام جنگ جهانی دوم به اتحاد شوروی پیوسته بودند، بزودی استقلال ملی خود را بازخواهند یافت. او افزود قانون اساسی جدید شوروی که در آستانه صدور است، به همه جمهوری‌های عضو اتحاد، آزادی خواهد داد در صورت تمایل از روسیه جدا شوند. تا آن زمان تنها در رسانه‌های غربی شایع شده بود که روند جدایی خواهی یکی از جمهوری‌های بالتیک یعنی لیتوانی آغاز شده، اما هنوز هیچ خبری از استقلال دیگر جمهوری‌های بالتیک نبود تا چه رسد به اینکه موضوع استقلال جمهوری‌های شوروی در آسیای میانه، مطرح باشد.

ارزیابی راهبردی من پس از شنیدن رسمی این سخنان از وزیر خارجه اتحاد شوروی، آغاز فرایند تجزیه شوروی بود. ضمن اینکه بر این باور بودم این فرایند خود به خود، رهبری شوروی را به سمت مشکلات داخلی کشانده و از توجه نسبت به مسائل اساسی عرصه بین‌المللی بازمی‌دارد. از سوی دیگر، با این تحولات جدید، پرسش اصلی فراوری ما این بود که تکلیف سوریه با همپیمان بزرگش چه خواهد شد؟

رئیس‌جمهوری اسد با شنیدن این سخنان شواردناذه پس از بازگشتم از نیویورک، شگفت زده شد و از من خواست با سفر به مسکو و دیدار با گورباچف، پیام او را به رهبر شوروی منعکس و این اظهارات شواردناذه را به اطلاع او برسانم. هدف اسد این بود که بر اساس واکنش گورباچف، بتوانیم از تحولات جدید کرملین اطمینان پیدا کنیم. اسد در این دوره زمانی بخوبی می‌دانست که دایره تصمیم‌سازی شوروی در معرض کشاکش مراکز قدرت متفاوت و متعارض این کشور قرار دارد و از افزایش نفوذ اسرائیل در این دایره بسیار نگران بود، نفوذی که آندریووف کوشیده بود آن را محدود کند. اطلاعات سوریه با بالاگرفتن نفوذ اسرائیل در شوروی از منابع مختلف دریافت می‌شد، اما یکی از این منابع خالد بکدش دبیرکل حزب کمونیست سوریه بود. بکدش که بیش از دوره حضور در زادگاهش دمشق، در مسکو زندگی کرده بود، از نزدیک روند امور در آنجا را می‌شناخت و از همان آغاز دوران گورباچف، موضعی همراه با تحفظ درباره پروستیکا داشت.

حمایت «بایدن» از سیاست تحریمی «ترامپ» علیه کوبا

زهره صفاری/ رئیس جمهوری امریکا برای رهایی از فشار انتقادات سیاستمداران و شهروندان کوبایی تبار نسبت به سکوت در برابر اعتراضات داخلی کوبا، نه تنها وعده‌های انتخاباتی‌اش برای پایان تحریم‌های ۶۰ ساله علیه مردم این کشور امریکایی لاتین را زیرپا گذاشت که وزیر دفاع و یگان ویژه وزارت کشور کوبا را نیز به اتهام سرکوب معترضان تحریم کرد.

به‌گزارش شبکه خبری «الجزیره»، ایبن نخستین اقدام مستقیم دولت «جو بایدن»

برای اعمال فشار بر دولت کوبا بود که امریکا از حدود یک هفته قبل در بیانیه‌هایی نسبت به آن هشدار داده بود. «بایدن» پس از اعلام این تحریم جدید در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این تازه آغاز کار است. ایالات متحده همچنان به تحریم افرادی که مسئول سرکوب مردم کوبا هستند، ادامه خواهد داد.» «جن ساسی»، سخنگوی کاخ سفید نیز در این باره به خبرنگاران گفت: «ما از هفته گذشته اعلام کردیم که این موضوع در اولویت دولت امریکا قرار گرفته است.» این موضع‌گیری در حالی از سوی کاخ سفید اعمال شده است که به نوشته «بی‌بی‌سی»، «بایدن» در طول مبارزات انتخاباتی خود بارها اعلام کرده بود محدودیت‌های اقتصادی و مسافرتی به کوبا که توسط «دونالد ترامپ» وضع شده است را لغو خواهد کرد تا بتواند سیاست «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری پیشین امریکا در لغو تحریم‌ها و برقراری روابط دیپلماتیک با کوبا را پیش بگیرد اما اعتراض سیاستمداران کوبایی – امریکایی بویژه طرفداران ترامپ در فلوریدا و بسیاری از مهم حزب‌های رئیس‌جمهوری امریکا به‌دلیل انفعال دولت امریکا نسبت به وقایع اخیر کوبا، سبب شد تا سیاست خارجی دولت بایدن نسبت به این کشور امریکایی لاتین تغییر کرده و علاوه بر پیروی از آنچه «ترامپ» پیش گرفته بود، کارگروهی نیز تشکیل شود تا از ارسال پول به کوبا از سوی بستگان کوبایی- امریکایی با دخالت بانک‌های داخلی این کشور مانع‌تند کند. دولت کوبا پیشتر نیز در انتقاد از تحریم‌های واشنگتن و تأثیر آنها بر زندگی مردم این کشور، امریکا و تحریم‌های اقتصادی از سوی این کشور را عامل محرک در اعتراضات و مشکلات کشورش عنوان کرده است. «برنوو رودریگس»، وزیر خارجه کوبا در پیامی توییتی ر به محکوم کردن تحریم‌های جدید امریکا آن را بی‌اساس و افتراآمیز خواند و به دولت امریکا توصیه کرد که اگر صدای مردم کوبا را می‌شنود، تحریم‌های ظالمانه واشنگتن علیه ملت کوبا را لغو کند. کارشناسان بر این باورند سرعت عمل دولت «بایدن» برای اعمال تحریم‌های جدید علیه کوبا نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری امریکا قصد ندارد بزودی نسبت به تغییر سیاست تحریمی «دونالد ترامپ» نسبت به این کشور و برقراری رابطه با هاوانا قدمی بردارد و اعتراضات ضددولتی هفته گذشته کوبا بهانه خوبی برای این کار در اختیار او قرار داده است. به نوشته «اسپوتنیک»، وزارت خزانه‌داری امریکا براساس قانون «ماگنیتسکی»، آوارو لوپز میرا، وزیر دفاع و یگان ویژه وزارت کشور کوبا را تحریم کرده است. این در حالی است که گروهی از فعالان کوبایی امریکایی در مسیر میامی به واشنگتن تظاهراتی اعتراضی را آغاز کرده‌اند تا در حمایت از مردم این کشور، تحریم‌های امریکا را محکوم کنند. در همین حال «ماریا خوروا»، سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز در واکنش به اقدام دولت «بایدن» اعلام کرد: «ما از واشنگتن که موضوع معینی اتخاذ کند و استفاده از استانداردهای دوگانه را کنار گذاشته و بگذارد دولت و مردم کوبا خودشان اتفاقات اخیر را بررسی کرده و درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند. واشنگتن نباید در امور یک کشور مستقل دخالت کند و آنها واقعاً نگران اوضاع انسانی کوبا هستند باید از خود شروع کنند و با رافع محاصره اقتصادی به بهبود وضعیت کوبایی‌ها کمک کنند.» «کریستوفر رودز»، استاد دانشگاه هاروارد در تحلیل رفتار «بایدن» به «الجزیره» گفت: «بدون شک برداشتن تحریم‌های امریکا علیه کوبا سیاست خطرناکی برای رئیس‌جمهوری فعلی امریکا به شمار می‌رود. چراکه بایدن که از انتخابات ۲۰۲۰، آرای فلوریدا را از دست داده بود، نگران است با تغییر نگاهی، سیاست سلف خود، حمایت کوبایی – امریکایی‌های سراسر ایالات متحده را نیز از دست بدهد. از طرف دیگر این تصمیم می‌تواند او را در برابر اتهام جمهوریخواهان به نرمش مقابل دولت کوبا قرار دهد.»

- شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۰**
- سال بیست و هفتم**
- شماره ۷۶۸۳**

نزایوسیمایا گازتا(روسیه)

برای نخستین بار در تاریخ روسیه، این کشور شکایتی علیه اوکراین به دادگاه حقوق بشر اروپا ارائه کرد. این در حالی است که اوکراین ۹ دادخواست علیه روسیه به این دادگاه داده است. اما نکته جالب‌توجه در این میان، تشابه اتهامات مندرج در این شکایت‌ها است که هر دو کشور دیگری را با بندهایی مشابه متهم به نقض حقوق بشر کرده‌اند.



نشنال (امارات)

یک‌راست افراتی انگلیسی که‌پسری‌سوری‌الاصل را به حمله به دختران انگلیسی متهم کرده‌بود، به پرداخت غرامت ۱۰۰ هزار پوندی به این نوجوان پناهجو محکوم شد. به گفته وکیل این نوجوان اتهامات بی‌اساس «تامی روبینسون» که به داشتن تفکرات ضداسلامی شهرت دارد، سبب شده است که موکلش در دوسال گذشته بارهتهدید به مرگ شود.



لس آنجلس تایمز(امریکا)

دانشگاه کالیفرنیا برای تأمین بودجه‌از دست رفته خود در دوران رکود اقتصادی ناشی از کرونا، افزایش ۴۰.۲ درصدی شهریه ترم پاییز را تصویب کرد. این افزایش که از سوی منتقدان مورد اعتراض قرار گرفته است ۵۳۴ دلار به شهریه سالانه این دانشگاه که معادل ۱۲ هزار و ۵۷۰ دلار است خواهد افزود که هزینه سنگینی برای شش سال تحصیلی است.



رأی مجلس نمایندگان امریکا به حمایت از همکاران افغان



۹۲

- طالبان: آتش بس فقط بادولت جدید**

مقصود ویلیام برنز به توانایی‌ها و قابلیت‌های دولت افغانستان، توان این کشور در مذاکرات با طالبان است. اما به نظر می‌رسد طالبان علاقه‌ای به این توان ندارد. آنها‌که هفته پیش در دروچه سر سبز مذاکره با دولت افغانستان نشستند اما نتیجه‌ای از این نشست نصیب هیچ کدام از طرفین نشد، خواهان دولتی جدید در افغانستان شده‌اند. در همین ارتباط دیروز «سهیل شاهین»، یکی از اعضای هیأت طالبان در نشست دوحه به خبرگزاری «اسوشیتدپرس» گفت: «تا زمانی که دولتی جدید در افغانستان روی کار نیاید و اشرف غنی برکنار نشود، در افغانستان صلح برقرار نخواهد شد.» او مدعی شد: «طالبان همچون همه مردم افغانستان خواهان جنگ داخلی نیست. اما آنها (دولت) صلح نمی‌خواهند. آنها می‌خواهند ما تسلیم شویم. اما ما معتقدیم قبل از هر گونه آتش بسی، باید دولتی که مورد قبول ما وافغان‌ها باشد، روی کار آید.» او در شرح این دولت جدید، ادعاهای اخیر طالبان را تکرار کرد و گفت: «دولت جدید موافق فعالیت‌های زنان است.» این در حالی است که زنان افغانستان بسیار نگران روی کار آمدن طالبان و تکرار حکومت طالبانی دهه ۱۹۹۰ هستند.

حملات به خودروهای طالبان بود و دیگری مواضع آنان در قندهار را هدف گرفته بود. روز پنجشنبه نیز جان کرپی، سخنگوی پنتاگون خبر داده بود در این حملات تلاش شده بود تا تجهیزاتی که طالبان از ارتش افغانستان گرفته بودند، تخریب شود. به گفته ناظران مسائل افغانستان اظهارات جان کرپی، تأییدی است بر ادعاهای طالبان که مدعی هستند پیشرویی‌های قابل توجهی در مناطق مختلف افغانستان دارند. آنها دیروز هم مدعی شدند ۹۰ درصد مرزهای افغانستان را در کنترل خود گرفته‌اند. ادعایی که دولت افغانستان بلافاصله رد کرد. با این حال پیشرویی‌های طالبان به گونه‌ای است که «ویلیام برنز»، رئیس سیا در اولین مصاحبه خود از زمانی که این پست را در دست گرفته، با تأکید بر نگرانی‌ها در این خصوص به «رادیو ملی امریکا»، گفت: «طالبان پیشرویی‌های شگفتگر به دست آورده‌اند. طوری که می‌توان گفت آنها احتمالاً در قوی‌ترین موقعیت خود از سال ۲۰۰۱ به این سو هستند..... این روند، نگران کننده است اما این مسأله مهم را هم باید به خاطر داشته باشیم که دولت افغانستان هم از قابلیت‌های قابل توجهی برخوردار است. آنها توانایی مقاومت را دارند اما در کنار آن باید به اراده سیاسی و وحدت رهبری نیز برسند.»

دردهای خوزستان و مسائل ساختاری ملی

در زمانی که در وزارت کار مسئولیت داشتم بعد از ناآرامی‌های دی ۹۶ در تعدادی از شهرها مطالعه‌ای به اهتمام معاونت رفاه سفارش داده شد، نتیجه آن نشان می‌داد بخش زیادی از ناآرامی‌های اجتماعی، ناشی از خشکسالی و آثار عینی و روانی آن است. مسأله چهارم اعتماد اجتماعی آسیب‌دیده و پایین آمدن سرمایه اجتماعی از سطح فردی، گروهی و نهادی تا سطح کلان است که در این مقاله قصد ندارم این پدیده را واکاوی کنم، بی‌تردید تبلیغات سیاسی داخلی و منفی‌خوانی‌هایی که در داخل به بهای ناچیز سیاسی صورت گرفت و از طریق رسانه‌های بزرگ دائم به جامعه تزریق شد و در کنار آن فقدان نظام گفت‌وگوی اجتماعی و نهادهای میانجی در شکل‌گیری این شرایط بی‌تأثیر نبود. پرداختن به این موضوع مهم به مجالی دیگر نیاز دارد. عامل پنجم نیز احداث‌های کنشروهای همدلانه است که قطعاً آثار آن متوجه جامعه ایران خواهد بود. این مسأله نیز نیاز به تحقیق و مطالعه و بررسی بیشتر دارد که در این یادداشت قصد پرداختن به آن نیست. این پنج مسأله در یک‌درهم‌پندگی با مسائل روانی جامعه، در سه سال اخیر آثار خود را نشان داده تا جایی که هر نوع حرکت اعتراضی را نمی‌توانیم فرارغ از آن بررسی کنیم.

۱. این روزها خوزستان عزیز در معرض تحلیل و کنش و واکنش سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. به نظر من هر پنج پدیده‌ای یاد شده و نیز نابرابری ساختاری در طول بیش از پنج دهه اخیر در شرایط امروز خوزستان تأثیرگذار بوده است. خوزستانی که بیش از ۸۵ درصد نفت کشور را تولید می‌کند، بیش از ۳۰ درصد آب‌های کشور در آن جریان دارد، ۱۵ درصد محصولات کشاورزی کشور را تأمین می‌کند و در ایام دفاع مقدس نماد مقاومت، ایثار و فداکاری و همواره الگویی بی‌پدیل از زندگی صلح‌امیز و همدلانه اقوام مختلف در کنار هم بوده است، این روزها حاش خوب نیست و مردم خوزستان به‌حق می‌توانند به ابراز نگرانی خود بپردازند. امروز یکی از مسائل این استان، موضوع کم‌آبی است. البته مسأله توزیع و تخصیص منابع کمیاب همواره در دهه‌ها و سده‌های اخیر مورد نظریه‌های مختلفی بوده و آب هم در کنار زمین قابل بهره‌برداری و سرمایه، یکی از آنهاست. کلر وینتفولک جامعه‌شناس فقید آلمانی با در پیش گرفتن یک رویکرد تاریخی- تطبیقی در اثر شاخص خود به نام «استبداد شرقی»، از تأثیرگذاری حوضه‌های آب بزرگ در سرزمین‌هایی که معمولاً جمع‌کم آب شمرده می‌شوند بر شکل‌گیری مناسبات طبقاتی سخن به میان آورد. این اثر کلاسیک

برغم آنکه تمام جلگه مسکون در استان خوزستان از توپوگرافی، شیب و اقلیم نسبتاً یکسانی برخوردار است، توزیع نابرابر منابع آب و خاک در سطح جلگه خوزستان بر توزیع نابرابر جمعیت و مراکز اقتصادی در سطح استان تأثیر گذاشته است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۷۵ درصد جمعیت شهرنشین استان در نیمه غربی استان و تنها حدود ۲۵ درصد در نیمه شرقی ساکن بوده‌اند. فرایند خودبه‌خودی سامان‌یابی جمعیت، فقدان دخالت داری و فقدان برنامه‌ریزی مناسب فضایی و آمایشی، این روند خودبه‌خودی را تثبیت کرده. به‌علاوه استقرار صنایع در جنوب استان به دلیل وجود ذخایر عظیم نفتی و گازی

و شرایط مناسب جهت سایر فعالیت‌های اقتصادی، این توزیع نابرابر را تشدید کرده است.

خوزستان هم‌اکنون رده دوم کشور در بخش حاشیه‌نشینی را به خود اختصاص داده است. به عبارتی معادل ۲۵ درصد از جمعیت این استان در حاشیه شهرها و یا امکانات محدود زندگی می‌کنند. بیش از ۱۵۰ هزار هکتار مساحت حاشیه‌نشینی در اهواز وجود دارد. مناطق حاشیه‌ای به صورت کم‌ربندی از شمال غربی تا جنوب شرقی شهر را در بر گرفته است. این معضل که در طول جنگ به دلیل تخریب روستاهای مرزی به صورت مهاجرت‌های وسیع صورت گرفت با ساخت سدها و به زیر آب رفتن روستاها و بهره‌وری پایین کشاورزی در سال‌های بعد از جنگ ادامه یافت.

بحران‌های پنج‌گانه پیش‌گفته – در بند ۲ – نیز به صورت هم‌بسته و هم‌افزا در خوزستان خودنمایی کرده‌اند. استان خوزستان به عنوان استانی که لوکوموتیو اقتصاد کشور است بیشترین تأثیر را از تحریم‌های گسترده علیه کشور چار شده است. به عنوان نمونه پروژه آب‌رسانی کشور شرق خوزستان که در شورای اقتصاد نیز تصویب شده بود در صورت اجرا آب شرب ۱۶ شهر و ۶۰۰ روستا را تأمین می‌کرد و ۱۹ هزار هکتار هم به زیر کشت مدرن می‌رفت، به دلیل تحریم‌ها متوقف شد. برای این طرح مناقصه انجام شد و یک شرکت نروژی برنده شد اما پس از تحریم‌های شرکت عقب نشست. برنده دوم که یک شرکت ایرانی با همکاری شرکت چینی بود به دلیل عدم تمایل طرف چینی عقب‌نشینی کرد. اقتصاد خوزستان نیز نظیر اقتصاد بنادر شدت متأثر از تحریم‌هاست. طبق بحران دیگر اعتماد و سرمایه اجتماعی است. طبق گزارش مرکز بررسی‌های ریاست جمهوری و مستند به بررسی داده‌های پیمایش‌های ملی که در سال‌های ۹۴ و ۹۵ انجام شده است نشان می‌دهد وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در سطح کلان، میانه و خرد در استان خوزستان با رتبه هجدهم، مناسب نیست. در این چهارچوب ضروری است بررسی عوامل و شرایط مؤثر بر ضعف سرمایه اجتماعی در استان، به درستی بررسی شود.

هدف من از این مقاله تبیینی ساختاری از مسائل استان خوزستان است و راه‌حل‌های بنیادی نیز با نگاهی به عوامل پیش‌گفته به دست خواهد آمد و این امر به معنای توجه و تکاپوی دولت در هشت‌سال گذشته در این عدم نبوده است. بیان این نکته که تحریم‌ها بر اقتصاد خوزستان شدت اثر گذار بوده است این امر به این معنا

نیست که دولت در این استان دست روی دست گذاشته بوده بلکه پروژه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات زیادی در این سال‌ها در خوزستان صورت گرفته است. بهره‌برداری از فاز اول طرح ۵۵۰ هزار هکتاری با یک و نیم میلیارد دلار اعتبار که کمک شایانی به معیشت کشاورزان کرده از جمله این اقدامات بوده است. افتتاح بالايشگاه گاز بیدبلند ۲ با بیش از ۳ میلیارد دلار اعتبار از جمله دیگر طرح‌های بزرگی است که در خوزستان در دولت تدبیر به بهره‌برداری رسید. افتتاح پرتوشیمی مسجد سلیمان، بهره‌برداری از پروژه آب‌رسانی غدیر (که اگر این پروژه نبود حتماً در ایام خشکسالی باعث افزایش تنش شدید در شهرهایی نظیر شادگان، دشت آزادگان، بستان و هویزه می‌شد) و تأمین ۵۰ میلیون دلار از محل صندوق توسعه برای موضوع فاصلاب اهواز که توسط قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) در حال اجرا است از دیگر طرح‌های مهمی است که در خوزستان در این دولت به بهره‌برداری رسید.

با این وصف در شرایط فعلی وجود یک رویکرد مدع‌جانبه‌نگر با پرهیز از رویکرد تقلیل گرایانه و شناخت دقیق از فرصت‌ها و تهدیدها برای بهبود وضع استان ضروری است.

۴. برای بهبود وضعیت استان خوزستان و غلبه بر نگرانی‌های موجود باید گفت‌وگوی اجتماعی وسیعی را با مردم سامان داد و از شکل‌گیری نهادهای مدنی و کُنشگری مدنی حمایت شود. توسعه در استان از دل رویکرد سیاست‌های کوتاه مدت، مرکزگرایانه و حل سطحی مسائل نیست. رویکرد به استان باید در قالب رویکردی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سامان یابد. باید همدلی و وفای نخبگان در سطح منطقه‌ای و پیوستگی نخبگان استانی و نخبگان ملی شکل بگیرد. این مسائل نباید باعث شود هزینه کُنشگری سیاسی مدنی در خوزستان افزایش یابد و از تأسیس نهادهای مدنی محلی حمایت شود. امروز هم نباید ساده‌انگاره با مشکلات مواجه شویم. دولت در کوتاه مدت عوامل کم‌آبی را دنبال کرده است و تا آخرین ساعات کاری خود آن را ادامه خواهد داد. در میان‌مدت دنبال کردن طرح‌های بزرگ اقتصادی هشت سال اخیر در بخش کشاورزی و صنعتی با رویکرد اجتماعی کردن آنها و ایجاد اعتماد و سرمایه اجتماعی است. طبق جوامع محلی برای برخورداری از موابهت توسعه ضروری است و در درازمدت نه فقط برای خوزستان عزیز بلکه در بسیاری از مناطقی که آنها نیز با سه مشکل سرمایه اجتماعی، تحریم و کرونا هم مواجه هستند، باید به سمت سیاست‌های مناسب ملی و منطقه‌ای حرکت کنیم.